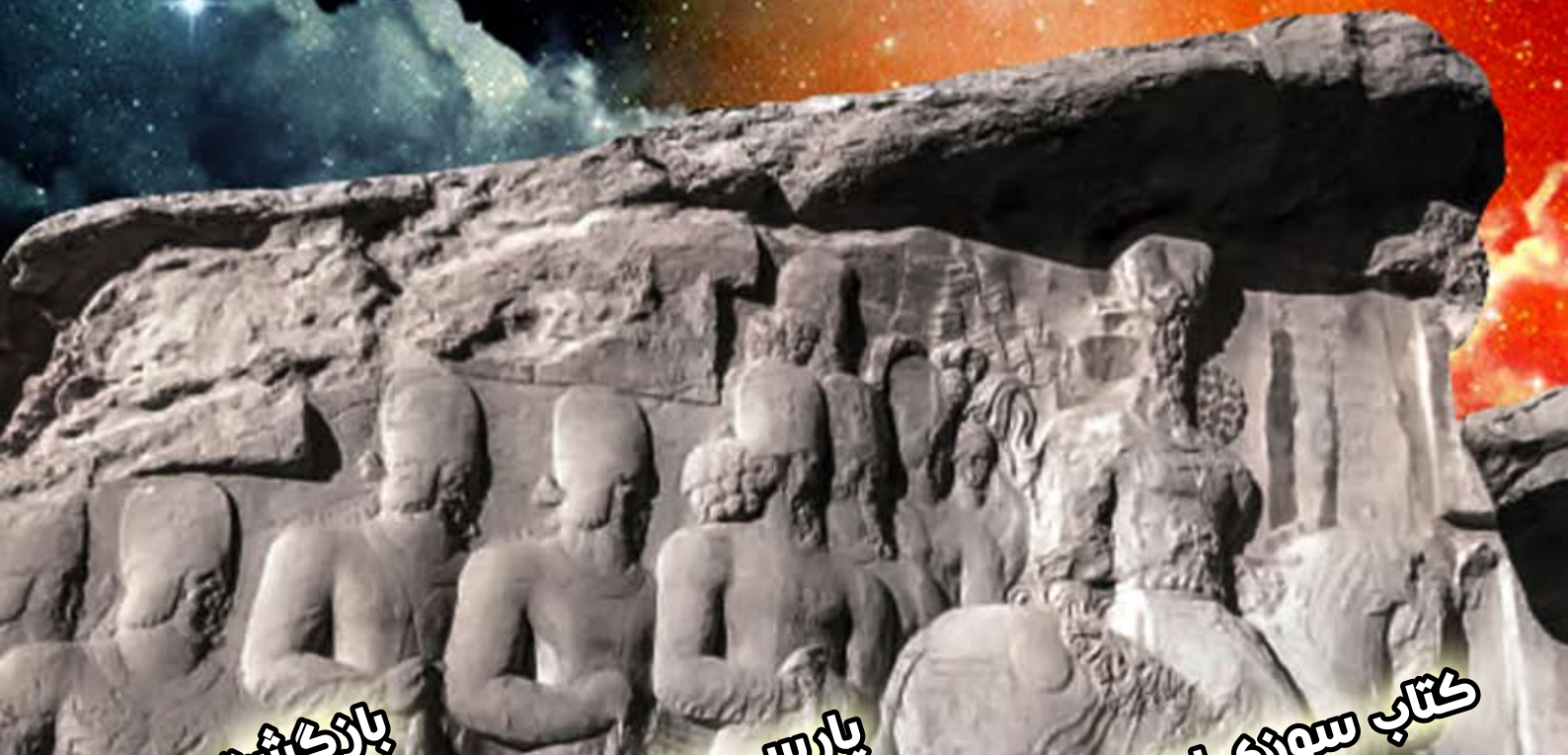




نیو فر ایرانی



بازگشت ۳۰۰

پارس دریا

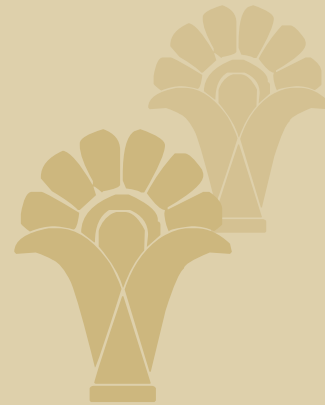
کتاب سوزی اعراب





فهرست

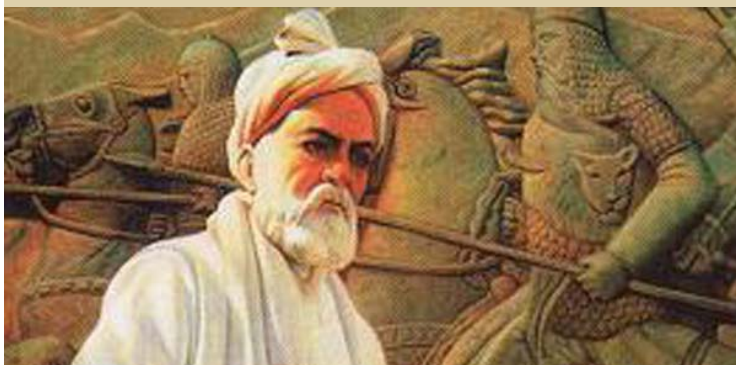
نیلوفر ایرانی *Persian Lotus*



- ۳ سخن مدیر مسئول
- ۴ روزهای ارزشمند در گاهشمارک ادریبهشت ماه
- ۵ کتاب سوزی اعراب در ایران
- ۸ فردوسی و بانویش
- ۱۰ شگفتی های تاریخ تمدن ایران (بخش سوم)
- ۱۱ پارس دریا
- ۱۳ بازگشت ۳۰۰
- ۱۴ دم خروس یا ...
- ۱۵ نام های ایرانی
- ۱۶ به بهانه بزرگداشت فردوسی

ماده ۲۳ آیین نامه ها و دستورالعمل های اجرایی نشریات دانشگاهی :

مسئولیت کلیه مطالب مندرج در نشریه به عهده مدیر مسئول است



نیلوفر ایرانی - اردیبهشت ۱۳۹۰

سال اول - شماره سوم

صاحب امتیاز :

کانون ایران شناسی و گردشگری
دانشگاه دامغان

مدیر مسئول و سر دبیر :

مجید خالقیان

هیئت تحریریه :

عارفه نبوی ، حسین گودرزی ، رضا
معزک



سخن مدیر مسئول

براک میهن دوستان ایران اصطلاحات زیادی به کار می برند.

برخی می گویند «ملی گرا»، برخی می گویند «ناسیونالیسم»، برخی

می گویند «کورش پرست»!!!! برخی هم می گویند «پان فارس»

همه ک این ها تعاریف خاص خودشان را دارند و شاید فقط به درد

خودشان بخورد.

والا ترین درجه ک میهن دوستی را فردوسی بزرگ به ما آموخت.

احترام به بیگانگان در عین بزرگداشت ایران و ایرانی در شاهنامه به

چشم می خورد. هرگز نژاد پرستی و لجاجت در آثار این یگانه مرد تاریخ

بشریت به چشم نمی خورد.

پس اگر «فردوسی وار» به کشورمان عشق

بورزیم، میهن دوست راستین هستیم.





روزهای ارزشمند در گاهشمار اردیبهشت ماه

۲۴ اردیبهشت: لغو امتیاز تنباکو



جنبش تحریم توتون و تنباکو و فتوای تاریخی میرزای شیرازی از مهمترین رویدادهای تاریخ معاصر می باشد. بعد از آنکه توزیع و فروش

توتون و تنباکو به یکی از مشاوران و نزدیکان نخست وزیر انگلیس واگذار شد، مخالفت های گسترده ای ایجاد شد.

میرزای شیرازی فتوای تاریخی خود را به این شرح صادر کرد: «الیوم استعمال توتون و تنباکو بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان (عج) است.» با صدور این فتوا جنبش عظیم مردمی به راه افتاد و ناصرالدین شاه ناچار شد این امتیاز را لغو کند.

۲۵ اردیبهشت: بزرگداشت فردوسی



حکیم ابوالقاسم فردوسی توسی (۳۲۹ - ۴۱۱ هجری قمری) از بزرگ ترین حماسه سرایان ایران و جهان است.

فردوسی با سرودن شاهنامه، کاری کرد که هیچ گاه یاد و خاطره ی شکوه ایرانیان فراموش نشود. به نظر می رسد وی به زبان های ایران باستان از جمله پهلوی آگاهی تمام داشته است و با تاریخ (با توجه به منابع موجود در آن عصر) آشنا بوده است.



۲۸ اردیبهشت: بزرگداشت خیام

حکیم غیاث‌الدین ابوالفتح غمّر بن ابراهیم خیام نیشابوری (سده پنجم هجری قمری).

وی در فلسفه، ریاضی، ستاره‌شناسی و سرودن

شعر استاد بود و آوازه وی بیشتر به واسطه رباعیاتش می باشد هرچند کارهای علمی وی بسیار مهم و مؤثر بوده است. از اقدامات شگفت انگیز وی می توان به اصلاح گاهشمار ایرانی اشاره کرد.

۱ اردیبهشت: بزرگداشت سعدی



ابومحمد مُصلح بن عبدُالله مشهور به سعدی شیرازی و مشرف الدین (۶۰۶ - ۶۹۱ هجری قمری).

با آنکه فردوسی، بزرگ ترین کسی است که در احیای زبان پارسی نقش داشته است، اما نقش سعدی را هم نباید نادیده گرفت.

۳ اردیبهشت: جشن اردیبهشتگان



اردیبهشت به معنای «بهترین راستی» است و به عنوان یکی از هفت امشاسپندان شناخته می شود. ایرانیان باستان در این روز با آیین های خاصی اردیبهشت را بزرگ می داشتند.

۱۰ اردیبهشت: روز ملی خلیج فارس

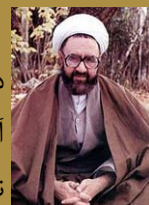


دهم اردیبهشت روز اخراج پرتغالی ها از تنگه هرمز به پیشنهاد شورای فرهنگ عمومی به عنوان روز ملی خلیج فارس نامگذاری شده

است. چندی است برخی از کشور های عربی در اقدامات زشت و دور از منطبق به دنبال تحریف نام خلیج همیشگی فارس هستند. خلیج فارس علاوه بر اینکه نموداری از فرهنگ و تمدن غنی ماست از نظر منافع ملی برای ما بسیار مهم است.

این منطقه استراتژیک که مهمترین منطقه تأمین نفت جهان به حساب می آید علاوه بر اینکه از نظر منابع طبیعی و گردشگری و ... اهمیت دارد از لحاظ امنیتی هم سرنوشت ساز است.

۱۲ اردیبهشت: روز معلم



دوازدهم اردیبهشت به مناسبت سالروز شهادت آیت‌الله مرتضی مطهری با عنوان «روز معلم» نام گذاری شده است.

۲ اردیبهشت روز زمین پاک

۳ اردیبهشت بزرگداشت شیخ بهایی

۵ اردیبهشت شکست آمریکا در طبس

۱۷ اردیبهشت شهادت حضرت فاطمه (س)

۱۸ اردیبهشت روز هلال احمر



البته در اسطوره های ما از سلسله های پیشدادیان و کیانیان هم نام برده می شود. هرچند میان این حکومت ها تشابهات بسیاری دیده می شود اما تفاوت های بسیاری در شیوه حکومت داری آنها وجود داشته است. بنابر این به عنوان مثال نمی توان شرایط حکومت هخامنشی را با حکومت ساسانی یکسان دانست.

با همین منابع اندک - حتی یک طرفه - که از ساسانیان به جا مانده است می توان گفت که پرفراز و نشیب ترین دوران فرمانرایی حکومت ها در ایران مربوط به حکومت ساسانیان بوده است. منصفانه نیست که بگوییم در سراسر این حکومت، به مردم ستم می شده و ساده انگاری است نتیجه گیری کنیم که این دوره از تاریخ کشورمان سراسر آبادی و خرمی بوده است. در طول چند قرن فرمانروایی ساسانیان برخی شاهنشاهان آبادگر و داد گر بودند و برخی مغرور و ظالم. در مقاطعی مشاهده می کنیم که مانوی و مزدکی آیین رسمی کشور شده است اما آیین زرتشتی مهم ترین دینی بود که در این دوران رواج داشت و دین رسمی کشور بوده است. می توان



سرباز ساسانی

گفت مردم ایران یکی از با فرهنگ ترین ملت های آن زمان بودند و تمدنی شکوفا داشتند. یکی از جنجالی ترین مواردی که درباره ساسانیان گفته می شود نظام طبقه بندی آن دوره است. باید توجه داشت که در این نظام هم گاه تغییراتی ایجاد می شد و در مواردی به هیچ وجه نمی توان نظام حاکم را نظام طبقه بندی نامید. اما درباره این نظام طبقه بندی باید گفت که در ایران ساسانی طبقات جامعه از هم متمایز بودند و افراد هر طبقه تخصص های ویژه خودشان را داشتند و از داشتن تخصص هایی که مربوط به طبقات دیگر بوده بی بهره بودند.

کتاب سوزک اعراب در ایران



شوربختانه به دلیل حملات فجیع بیگانگان به کشور ما، بسیاری از منابع تاریخی و شاهکار های هنری و فرهنگی ما بر باد رفته است. به عنوان مثال مقدونی ها و مغول ها بزرگ ترین حملات را به ایران کردند و آثار بسیار فاجعه باری را بوجود آوردند.

اما فرهنگ و تمدن ایرانیان آنقدر با شکوه بوده است که هنوز هم نام و یاد از دروان شکوه مندش باقی است اما افسوس که این یاد و خاطره نقصان های بسیاری دارد.

در این بین سلطه اعراب بر ایرانیان که با حکومت هایی مانند بنی امیه و بنی عباس همراه بود، بخش های تلخی از تاریخ را رقم زد.

بسیاری معتقدند که این اعراب به مانند چنگیز و حتی اسکندر به سوزاندن مستقیم کتاب نپرداختند، اما باید قبول کنیم که در هنگام سلطه اعراب بر ایرانیان بسیاری از دانش هایی که قبل از اسلام در ایران وجود داشت دست خوش فراموشی شد و حتی در مقطعی توسط حاکمان نابود شد.

بخشی از این موضوع شاید متوجه نظام طبقه بندی در دوران ساسانی می شود، که دانش، منحصر به طبقه موبدان و بزرگان بوده است (البته عده ای از پژوهشگران مخالفند که بگوییم دانش منحصر به طبقه موبدان بوده است؛ آنها معتقدند تنها وظیفه نگهداری از علوم بر عهده این طبقه بوده است) که این موضوع شاید کمک کننده به تخریب دانش ها در هنگام حمله و سلطه اعراب شد. قبل از بحث اصلی به بررسی کوتاهی درباره ی حکومت ساسانی و سلطه اعراب می پردازیم. باید توجه داشت که این بحث مربوط به یک دوره خاص نیست بلکه یک بحث آسیب شناسی درباره آثار و نتایج چند قرن می باشد.

ساسانیان

ایران باستان، دورانی اسرار آمیز است که قدمت آن به بیش از هفت هزار سال می رسد. اما حکومت هایی که قبل از اسلام وجود آنها از نظر تاریخی قابل اثبات است را می توان به چند بخش تقسیم کرد که عبارتند از: ماد ها، هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان.



اما به نظر می‌رسد جنایات اعراب چه در هنگام حمله و مخصوصاً در هنگام سلطه مانع خردورزی ایرانیان در دین مبین اسلام نشد و به تدریج دین اسلام در دل و جان ایرانیان جا گرفت و بار دیگر ایرانیان پس از سالها خاموشی، تمدنی شکوفا مشهور به تمدن ایرانی - اسلامی بوجود آوردند.

کتاب سوزی و نابودی علم

شاید بتوان کتاب سوزی و نابودی علم توسط اعراب را در دو بخش بررسی کرد. در هنگام حمله و در هنگام سلطه. درباره کتاب سوزی در هنگام حمله گفته‌های ضد و نقیضی بیان می‌شود. بحث داغی که همیشه مطرح بوده است. اینکه گفته می‌شود هیچ منبعی نیست که بگوید کتاب سوزی رخ داده است، گفتار اشتباهی است. در این خلدون، مقدمه چاپ مصر، درباره این موضوع سخن گفته است. اما بسیاری از پژوهشگران در این باب تردید دارند و نمی‌توان به طور دقیق نتیجه‌گیری کرد.

اما در هنگام سلطه‌ی حکومت‌های نژاد پرست مانند بنی امیه، متأسفانه به صورت آشکار به این موضوع بر می‌خوریم. دکتر عبدالحسین زرین کوب - که البته آثار ارزنده ایشان در بزرگداشت اسلام بر کسی پوشیده نیست - با تحلیلی منطقی و با متن شیوای خویش به بررسی کتاب سوزی اعراب چه در هنگام حمله و چه در هنگام سلطه می‌پردازند:

«شک نیست که در هجوم تازیان، بسیاری از کتاب‌ها و کتابخانه‌های ایران دستخوش آسیب فنا گشته است. این دعوی را از تاریخ‌ها می‌توان حجت آورد و قرائن بسیار نیز از خارج آن را تأیید می‌کند. با این همه بعضی از اهل تحقیق در این باب تردید دارند و این تردید چه لازم است؟ برای عرب که جز کلام خدا هیچ سخن را قدر نمی‌دانست، کتاب‌هایی که از آن مجوس بود و البته نزد وی دست کم مایه‌ی ضلال بود چه فایده

این نظام را در ایران بدان هدف بر روی کار آورده بودند تا هر کس در هر رشته‌ای فعالیت دارد بیشترین تجربه را در کارش بیندوزد و در آن مهارت زیاد به دست آورد و بهترین بازده را برای کشور داشته باشد. اما باید بپذیریم که این



موضوع متأسفانه در برخی موارد برخلاف آن هدفی که داشت ایجاد مشکل کرده است.

در اواخر دوران ساسانی، این حکومت در هرج و مرج مطلق فرو رفته بود و همین موضوع به طور طبیعی موجبات نارضایتی مردم از وضعیت موجود را فراهم آورده بود.

حمله اعراب



بررسی کامل چگونگی حمله اعراب به ایران در این مجال نمی‌گنجد اما در این تهاجم با برخورد‌های متناقض از طرف اعراب مواجه می‌شویم، برخی سرداران رفتاری ملایم و تأثیر گذار داشتند اما برخی دیگر جنایت پیشه بودند و ریختن خون مردم مقاوم را مباح می‌شمردند.

اما درباره مسلمان شدن ایرانیان باید گفت که وقتی درباره‌ی فرمانروایی وسیعی مانند ایران بحث می‌کنیم نمی‌توان به این نتیجه رسید که از همان ابتدا همه‌ی ایرانیان اسلام را با جان و دل پذیرفتند و یا بگوییم همه ایرانیان از سر زور ناچار به پذیرش اسلام شدند.



در دوره سلطه تازیان بیشترین توهین به ایرانیان توسط نظام نژاد پرست اموی صورت گرفت. و بیشتر نابودی های دانش را در این دوران می بینیم.

بسیاری از امویان جز با عنصر عرب که همه امتیازات و افتخارات را از آن خود می دانستند، رفتار خوبی نداشتند. آنان با همه ملت های مغلوب و به ویژه ایرانیان برخوردی خشن داشتند، بسیاری از امویان کارهای کشور را جز به تازیان نمی سپردند و از فرط تعصب و پابندی به علقه ی نژادی، در این کار راه مبالغه می سپردند و متأسفانه اعراب القابی مانند عجم و یا موالی (به معنای بندگان آزاد شده) به ایرانیان نسبت دادند. شاید از این رو بود که با زبان پارسی و زبان های رایج در ایران مخالفت جدی داشتند و در نتیجه با کتاب هایی که به این زبان ها نوشته شده بودند هم مخالفت داشتند. آنها در صدد بر آمدند زبان ها و لهجه های رایج ایران را، از میان ببرند. باید توجه داشت این بیم هم بود که همین زبانها خلقی را بر آنها بشوراند و ملک و حکومت آنان را در بلاد دور افتاده ایران به خطر اندازد.

به همین سبب هر جا که در شهر های ایران، به خط و زبان و کتاب و کتابخانه برخوردند با آنها سخت به مخالفت برخاستند. همچنین بهانه ی دیگری که عرب برای مبارزه با زبان و خط ایران داشت این نکته بود که خط و زبان مجوس را مانع نشر و رواج قرآن می شمرد.

البته این ظاهر سازی پوچی بود که خود را جانشینان رسول خدا بدانند.

کتاب سوزی حجاج در خوارزم و کشت و کشتار کسانی که از دانش و علوم آگاهی داشتند و تغییر دیوان محاسبات از پارسی به عربی از موارد آشکاری است که در سلطه امویان دانش های ایرانی را بر باد داد.

پس تعجبی ندارد که حتی اعراب حق گرا در مقابله با چنین وضعیت فاسدی، پیش قدم بودند و در موارد زیادی حماسه ساز شدند.



شادروان دکتر عبدالحسین زرین کوب

داشت که به حفظ آنها عنایت کند؟ در آیین مسلمانان آن روزگار، آشنایی به خط و کتابت بسیار نادر بود و پیداست که چنین قومی تا چه حد می توانست به کتاب و کتابخانه علاقه داشته باشد. تمام قراین و شواهد نشان

می دهد که عرب نظیر آنچه امروز از ادب پهلوی باقی مانده است، فایده ای نمی برده است. در این صورت جای شک نیست که در آن گونه کتاب ها به دیده حرمت و تکریم نمی دیده است.

از اینها گذشته، در دوره ای که دانش و هنر، به تقریب در انحصار موبدان و بزرگان بوده است، با از میان رفتن این دو طبقه، ناچار دیگر موجبی برای بقای آثار و کتاب های آنها باقی نمی گذاشته است. مگر نه این بود که در حمله تازیان، موبدان بیش از هر طبقه دیگر مقام و حیثیت خویش را از دست دادند و تار و مار و کشته و تباہ گردیدند؟

با کشته شدن و پراکنده شدن این طبقه پیداست که دیگر کتاب ها و علوم آنها نیز به درد تازیان هم نمی خورد موجبی برای بقا نداشت. نام بسیاری از کتاب های عهد ساسانی در کتاب ها مانده است که نشانی از آنها باقی نیست. حتی ترجمه های آنها نیز که در اوایل عهد عباسی شده است از میان رفته است. پیداست که محیط مسلمانی برای وجود و بقای چنین کتابها مناسب نبوده است و سبب نابودی آن کتابها نیز همین است.

باری از همه ی قراین پیداست که در حمله اعراب بسیاری از کتاب های ایرانیان، از میان رفته است «



که دل گیرد از مهر او فر و مهر

بدو اندرون خیره ماند سپهر

مرا مهربان یار بشنو چه گفت

ازان پس که با کام گشتیم جفت

پیماک می تا یکی داستان

بگویمت از گفته ک داستان

بینه پیشم و بزم را ساز کن

بچنگ ار چنگ و می آغاز کن

بیاورد شمع و بیامد به باغ

برافروخت رخشنده شمع و چراغ

مرا گفت برخیز و دل شاددار

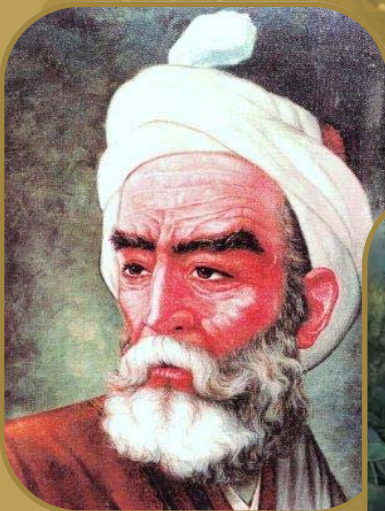
روان را ز درد و غم آزاد دار

دلم بر همه کام پیروز کرد

که بر من شب تیره نوروز کرد

بدان سرو بن گفتم اک ماهروی

یکی داستان امشبم بازگوی





شگفتی هاك تاریخ تمدن ایران (بخش سوم)

فناورک در ایران باستان

چشم مصنوعی



چندی پیش کشف اسکلت متعلق به یک زن در شهر سوخته (واقع در استان سیستان و بلوچستان ایران) همه را شگفت زده کرد. این زن ۳۰ ساله که ۵ هزار سال پیش

زندگی می کرده ، صاحب قدیمی ترین چشم مصنوعی جهان بوده است.

برای تزئین این چشم مصنوعی از مفتول های طلا به قطر نصف موی سر انسان به جای مویرگ ها استفاده شده است.

به تازگی محققان ایرانی و ایتالیایی، چهره این زن را بازسازی کردند که در موزه ملی هنر شرقی در رم به نمایش درآمد.

هنرهاك دستی

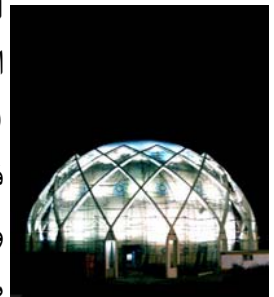
ایرانیان نخستین ملتی هستند که به صنعت نساجی (پارچه بافی) پی بردند و در صنعت نخستین فن رنگرزی ، صباغی رنگرزی پارچه ها ، سرامیک و لعاب و در فن



بوجود آوردن رنگ های زیبا بر سفال و کاشی پیشگام و استاد و صادر کننده این صنایع و هنر به جهان بوده اند.

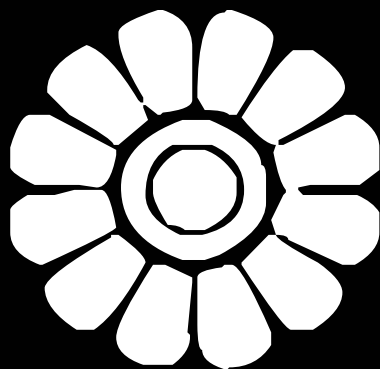
پلاتاریوم در دوران ساسانیان

آسمان نما، فلک نما یا افلاک نما (planetarium)، تالار یا فضایی است به شکل نیم کره و گنبدی شکل که در آن به جهت آموزش و سرگرمی



ستارگان، سیارات و دیگر پدیده های سماوی چون: خسوف، کسوف، شفق، فلق، حرکت





پارس دریا

خلیج فارس

در بسیاری از کتب اسلامی از جمله تفاسیر قرآن که اکثراً به زبان عربی نگارش شده اند، این شاخاب با نام «فارس» بیان شده است.

در نظر سنجی اینترنتی که برای نام این خلیج برگزار می شود، اکثریت مطلق با Persian Gulf می باشد

کشورهای اطراف خلیج فارس عبارتند از: عربستان، قطر، امارت متحده عربی، بحرین، عمان، کویت، عراق و ایران.

اعراب وجود تعداد زیاد کشورهای عربی در کنار خلیج فارس را دلیلی بر قرار دادن نام جعلی بر روی این خلیج می دانند. این در حالی است که جمعیت و وسعت ایران در منطقه بسیار قابل توجه است.

از نقشه های تمام اعصار به سادگی می توان نتیجه گرفت که نام خلیج فارس یک نام تاریخی است و تنها در چند نقشه تحریف شده در دوره معاصر نام های جعلی به چشم می خورد.

نام خلیج فارس حتی در قرار دادهای منعقد شده بین المللی وجود دارد.



آیا دشمنان آینده خاور میانه را این گونه می خواهند؟!



شاید در ابتدا به نظر بیاید که اینهمه تأکید بر روی یک نام برای چیست؟! اینهمه نزاع طرفین آن هم بر سر نام یک خلیج برای چیست؟! در صورتی که فرقی نمی کند نامش خلیج فارس باشد و یا هر نام دیگری!!

از طرفی تأکید برخی از حکومت های عربی بر این موضوع بسیار جالب به نظر می رسد و هنگامی که این تأکید را در کنار رفتار این حکومت ها در این چند دهه می گذاریم ، متأسفانه اهداف شوم و زشتی به نظر می رسد.

چندی است مشاهده می شود برخی با رفتار و گفتار معناداری به دنبال آن هستند که اعراب جهان حتی اعراب ساکن در مرزهای ایران را متقاعد کنند که نام این خلیج باید تغییر پیدا کند .

وقتی به جنگ هشت ساله ایران و عراق نگاه می اندازیم می بینیم که حمله صدام با حمایت همه جانبه ی این کشور های عربی روبروست و حتی عربستان سعودی حاضر است غرامت جنگ را به ایران بپردازد اما به شرط آن که ایران در جنگ محکوم شود!!!!

متأسفانه رفتار تبعیض آمیز این کشور ها را با مردم ایران می بینیم که در چند مورد در فرودگاه ها به اوج خودش رسید. همه این موارد اهدافی شوم را به ذهن آدمی می رساند و جالب آنکه در مواردی با چراغ سبز دشمنان اصلی جمهوری اسلامی ایران همراه است.

بعد از ماجرای اسناد ویکی لیکس که البته در ایران زیاد جدی گرفته نشد (کاش می شد این موضوع را بیشتر بررسی کرد !!!) رفتار همین کشور ها با قیام های منطقه جالب توجه بود و باز هم اهداف شوم و زشتی را به خاطر آدمی آورد.

درست است که مسئولین ما در بسیاری از موارد واکنش درخوری به این ادعا ها نمی دهند ، اما حیای همسایگان عرب کجا رفته است؟؟!



بازگشت ۳۰۰

فیلم Xerxes پروژه بعدی دست اندرکاران ۳۰۰

از فیلم ها و داستان ها و افسانه ها این پادشاه مورد توجه قرار می گیرد. پدر خشایارشا داریوش بزرگ است که نقش مهمی در شکل گیری تمدن پارسیان داشته است و مادر وی آتوسا، دختر کوروش بزرگ است و شاید همین موارد باعث مورد توجه قرار گرفتن این پادشاه می شود.

پس از آنکه کتیبه های هخامنشی رمزگشایی شد راه برای پژوهشگران هموار تر شد و مورخان به این نتیجه رسیدند که روایات یونانیان از حملات خشایارشا و داریوش به یونان، افسانه آمیز است و حتی برخی اعتقاد پیدا کردند بر خلاف گفته یونانیان در این جنگ ها پارسیان پیروز شدند.

گفته می شود در فیلم Xerxes ماجرای جنگ ماراتن که در زمان داریوش رخ داده است مورد توجه قرار می گیرد. حادثه ای افسانه آمیز که بعد ها نامش وارد مسابقات ورزشی هم شد و ما بدون آنکه بدانیم اصل این ماجرا چیست مدام آنرا تکرار می کنیم.



بررسی دقیق تاریخی این رویداد ها در این مجال نمی گنجد و اگر خواننده محترم خود به دنبال کشف حقیقت برود، دست آورد بهتری خواهد داشت.

در ابتدا گفته می شد فیلم Xerxes در سال ۲۰۱۱ اکران خواهد شد اما بعد ها بنا بر آن شد که این فیلم در سال ۲۰۱۳ نمایش داده شود. در هر حال هنوز ابهامات زیادی درباره این فیلم وجود دارد وضعیت این فیلم واضح نیست.

همه ی ما فیلم ۳۰۰ را به یاد داریم. فیلمی که با اعتراضات زیادی روبرو شد و حتی در یونان هم به این فیلم اعتراض شد. این فیلم با سرلوحه قرار دادن منابعی که دانشمندان همیشه با دیده ی شک و تردید به آن نگاه می کنند و اضافه کردن موارد دلخواه، تصاویری عجیب و غریب و به عقیده برخی بچگانه را نمایش داد. حتی شاید روان لئونیداس (قهرمان اسپارتی این داستان) پس از ساخته شدن این فیلم آزرده خاطر شد. هر چند این فیلم سر و صدای زیادی به پا کرد اما باید قبول کنیم که از نظر فیلم سازی و بازیگری بی مشکل نبود.



به هر حال بسیاری معتقدند مناسبات سیاسی بر روی ساخته شدن چنین فیلمی بسیار تأثیر گذار بوده است. پس از این همه تحریف تاریخ و دروغ پردازی، دست اندرکاران این فیلم به مخاطبان پیشنهاد کردند که این موضوع را زیاد جدی نگیرند زیرا فقط یک داستان زیبای سرگرم کننده است.

خبرهایی حاکی از آن است که دست اندرکاران فیلم ۳۰۰ در پی ساختن فیلم دیگری با همان سبک هستند. نام این فیلم Xerxes است. اروپاییان به خشایارشا («شا» بخشی از نام این پادشاه است و خشایارشا به اشتباه بیان می شود) Xerxes می گفتند. خشایارشا در دوره اوج حکومت هخامنشیان فرمانروایی می کرد و جالب آنکه در بسیاری

قضاوت کردن درباره فیلمی که هنوز به نمایش در نیامده است ناچوانمردانه است اما به نظر می رسد با یک ۳۰۰ دیگر مواجه خواهیم شد.



دم خروس یا ...

هویت و فرهنگ تزریقی از کره ی جنوبی و کلاً بلوک شرق شونند. و این همان «از ترس عقرب به مار غاشیه پناه بردن» است؛ گاهی از یک طرف و گاهی از طرف دیگر بام!

دیده ایم آن زمانی را که ما مسلمان ها در حال برادر کشی بودیم و چرخ صنعت غرب و شرق از دو سو ما را با این بحران هویتی امروز دست به گریبان کرد و خدا می داند حاصل این دروغ امروز ما را از چه مسائل بزرگی در جامعه و دنیای امروز غافل خواهد کرد. آیا این مسائل هدفی جز ایجاد تفرق و اختلاف دارد؟ و یا اینکه فقط هدف این دعوها غافل کردن توده ی مردم و کارشناسان از مسائل حیاتی و مهم روز جامعه ی ما می باشد تا همگی از درد عظمای جامعه و خودمان غافل بمانیم و اسیر ایسم ها شویم؟ و یا حُبّ پست و سمت چنین کرده است که روزی اسلام و فرامینش را با عنوان کردن شعائری ابزار رسیدن «به هر قیمتی» به قدرت کنیم و روز دیگر به فراخور جامعه دم از ایرانیّت بزنیم آن هم با کارنامه ی عملی مشخصی که همه آن را می دانند؟! بله همه می دانند که سد سیوند و قضیه نم کشیدن آرامگاه کوروش بزرگ از کجا آغاز شد، همه می دانند «کتیبه خارک» که سندی محکم بر مالکیت خلیج فارس و جزایر سه گانه بود چگونه و در ظرف چند ساعت نابود شد، همه می دانند که ساختن مترو در زیر چهار باغ اصفهان چگونه این محوطه تاریخی را به خطر انداخت و باعث نشست زمین شده و همه می دانند که تمام این اتفاقات در زمان مسئولیت چه شخصی در سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری صورت گرفت و همه می دانند چه محدودیتی برای مصاحبه سایر مدیران ارشد این سازمان شکل گرفت و ... که حال دم از ایرانیّت و مکتب ایرانی زده می شود؛ اما به راستی کدام مکتب؟!

چقدر کریه و زشت است که هر ارزش را ابزار رسیدن به هدفی قرار دهیم که گاه ممکن است رضای خدا در آن نباشد و وای به حال روزی که اسماعیل ها را نه برای خدا که برای خود قربانی کنیم و شعور مردم را به بازی بگیریم و همگان بدانند نه اسلام بدون ایران را می خواهیم و نه ایران بدون اسلام را.

«ما مردم آمریکا را برترین ملت‌های دنیا می دانیم»، «حضرت نوح (ع) با ۹۵۰ سال عمر نتوانست مدیریت جامع کند چرا که عدالت را ایجاد نکرده است» و ... تنها بخشی از اظهار نظر های جنجالی اسفندیار رحیم مشایی است که البته مورد بحث ما نمی باشد، بلکه این نظرات جدای از انگیزه ی درونی ارائه آنها، کفر خیلی ها را در آورده و واکنش های بسیاری را به خود دیده است.

اسفندیار رحیم مشایی نه تنها در مسائل حجاب، مدیریت پیامبران و انرژی اتمی و هسته ای صاحب نظر است که چند صباحی است با حمایت قاطع رئیس جمهور دم از «مکتب ایرانی» می زند و با اقداماتی مانند تجلیل از کوروش در یک مراسم نمادین و ... سعی در رهبری یک جریان فکری در سطح اجتماع را دارد که مخالفان خود به خواب زده ی این جریان نیز در حال بهره برداری سیاسی و شخصی از این موضوع، تا می توانند ملیت و ایران دوستی را به باد تخریب و انتقاد می گیرند.

اما آنچه که در ابتدای بحث در قیاس جوامع دیروز و امروز به ذهن خطور می نماید تداعی دوران سیاه اختلافات مذهبی در ایران است که گاه گریبان عامه ی مردم را می گرفت و گاه گریبان فضلا و ادبایی چون فردوسی بزرگ را. گویا ایران، روزی باید با اختلافات شیعه و سنی که حقاً برادران یکدیگرند از شرق و غرب عالم عقب بماند و روز دیگر با ایجاد تقابل بین «ملیت» و «مذهب» همانگونه که در مسئله ی شیعه و سنی «مادر» یعنی اسلام فراموش شده بود و هابیل و قابیل با فتاوی کورکورانه ی حکومتی عثمانی و ایرانی به جان هم می افتادند امروز نیز «مادر» یعنی ایران کم کم به باد فراموشی سپرده می شود و برخی صحنه گردانان مغرض در صدد رو در رو قرار دادن دو ارزش بزرگ هستند که هویت ما را تا حدودی شکل داده اند و وای به روزی که این دو با معرکه گردانی عناصر بی دردی که هیچکدام را نمی شناسند یکدیگر را بخورند و موج پوچگرایی بیشتر دامنگیر جامعه شود و باز هم بیش از پیش مسئولین ارشد مملکتی به ویژه صدا و سیما می ما به فکر استخدام

نام های ایرانی

هفت نام پسر

- ۱- ایرانمهر : روشنایی ایران
- ۲- پارسا : پرهیزکار
- ۳- راد : بخشنده
- ۴- رستم : بالش و روینده
- ۵- سپهر : آسمان
- ۶- شایان : سزاوار، شایسته
- ۷- نوید : مژده شادمانی



هفت نام دختر

- ۱- آشنا : یار، دوست
- ۲- آناهیتا : بانوی پاک
- ۳- بیتا : یکتا، بی مانند
- ۴- پگاه : سحر، بامداد
- ۵- جوانه : جوان، جوانی، رویش
- ۶- دل آرام : آرامش دهنده دل
- ۷- روناک : روشنایی



برای آگاهی از اوضاع و دست یابی به شماره های پیشین نشریه

نیلوفر ایرانی می توانید به تارنگار این نشریه مراجعه نمایید

PersianL.PersianBlog.ir

(برای دسترسی راحت تر به این تارنگار واژه «نشریه نیلوفر ایرانی» را در موتور های جستجو گر جستجو کنید)

پارک نامه ها:

تارنمای مرکز اسناد انقلاب اسلامی
دو قرن سکوت - عبدالحسین زرین کوب
مقاله امیر حسین خنجی
تاریخ ده هزار ساله ایران - عبدالعظیم رضایی
شاهنامه فردوسی
تاریخ ایران از ماد تا پهلوی
تاریخ تمدن و فرهنگ ایران
سهم ایران در تمدن جهان
تارنمای مردم سالاری
ویکی پدیا فارسی
مجله دانشمند - بهمن ۱۳۸۹
ماهنامه آسمان شب - شماره نهم

نیلوفر ایرانی
Persian Lotus

منابع مهم تصویرک:

مهر
تیبیان
فارس

پارک نامه های مهم مقاله نخست :

تاریخ سیستان، مولانا شمس الدین محمد موالی - محمود بن یوسف اصفهانی - تاریخ طبری ، محمد بن جریر طبری ، بازگردان ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم ۱۳۷۵
نشر اساطیر-کتاب فارس نامه ابن بلخی، نشر بنیاد فارس شناسی - کتاب فتوح البلدان، احمد بن یحیی بلاذری - کتاب مروج الذهب ، علی بن حسین مسعودی -
کتاب غرر اخبار ملوک الفرس، ابومنصور ثعالبی - کتاب تاریخ بخارا، ابوبکر نرشخی - کتاب مجمل التواریخ و القصص - به تصحیح محمدتقی بهار - کتاب اخبار الطوال، ابوحنیفه دینوری - کتاب عقداالفرید، ابن عبدربه المالک - کتاب تاریخ طبرستان، ابن اسفندیار - کتاب تاریخ رویان، مولانا اولیاءالله املی - کتاب تذکره شوشتر، سید عبدالله شوشتری - کتاب تاریخ کامل، علی ابن اثیر - کتاب تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب - آثار الباقیه ، ابوریحان بیرونی

به بهانه بزرگداشت فردوسی



خرد بهتر از هر چه ایزد بداد
ستایشش خرد را به از راه داد



چنین است رسم سراى كهن
سرش هيچ پيدا نيينى ز بن

خرد رهنماى و خرد دلگشاى
خرد دست گيرد به هر دو سراى

جهان را بلندى و پستى تويى
ندانم چه اك هر چه هستى تويى

چو رسم بدش باز داند كسى
نخواهد كه ماند به گيتى بسى



به يك دم زدن رستى از جان و تن
همى بس بزرگ آيدت خويشتن



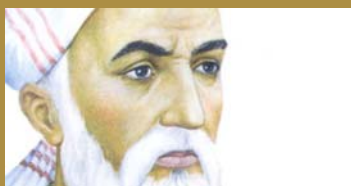
منم بنده ك اهل بيت نبى
ستائنده ك خاك پاى وصى



دلت زنده باشد به فرهنگ و هوش
به بد در جهان تا توانى مكوش

همى بگذرد بر تو ايام تو
سرايى جز اين باشد آرام تو

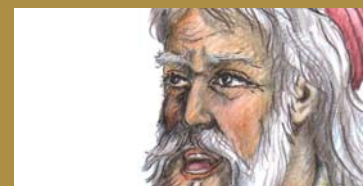
خرد همچو آبست و دانش زمين
بدان كايين جدا و آن جدا نيست زين



چنين است كردار گردنده دهر
نگه كن كزو چند يابى تو بهر

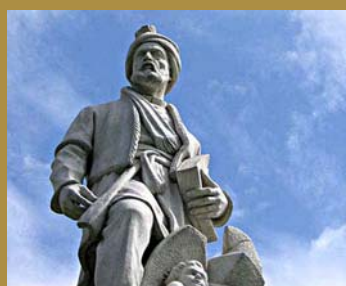


چو ايران نباشد تن من مباد
بدين بوم و برزنده يك تن مباد



بجز داد و خوبى مكن در جهان
پناه كههان باش و فر مهان

بخور هر چه دارى به فردا مپاى
كه فردا مگر ديگر آيدش راى



به دينار كم ناز و بخشنده باش
همان داده باش و فرخنده باش